

Examining the Crimes of Virtual Currencies from the Point of View of Criminal Jurisprudence

Abbasali Akbari

Department of Criminal Law and Criminology, Ta.C. Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding author). Iran.Email: dr.akbari@iaut.ac.ir

Tohid Pour Ahmad

Department of Criminal Law and Criminology, Ta.C. Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Keywords:

Virtual currency,
Criminal
jurisprudence,
Criminal law,
Digital currency.

Abstract

Digital currencies, due to their technical complexities and widespread ambiguities surrounding them, require careful and in-depth examination. This article initially explores and analyzes the structure of digital currencies, aiming to provide comprehensive explanations to resolve the uncertainties surrounding their true nature. At first glance, digital currencies appear highly complex and ambiguous; however, they possess a fundamentally simple nature. Their identity, overshadowed by numerous advantages and disadvantages alongside diverse perspectives globally, has remained somewhat lost. Bitcoin, as one of the most renowned digital currencies, is considered a type of cryptographic money that operates solely within the virtual realm. The present study focuses on the jurisprudential aspects of this topic and examines it from two perspectives: first, individual jurisprudence, which investigates the ruling on digital currency transactions from a jurisprudential viewpoint; and second, governmental jurisprudence, which analyzes the legitimacy of mining and utilizing these currencies within the framework of an Islamic economic system. The findings of the study indicate notable disagreements among Shia jurists regarding the legitimacy of these currencies. Some jurists deem digital currencies impermissible, citing significant reasons such as the ambiguity of their nature, the lack of clarity regarding the origin and destination of transactions, their high-risk and unstable nature, and their inherently foreign and non-national character. The conclusion of this research reveals that Shia jurisprudence adopts an analytical and ijtihad-based approach when addressing new financial phenomena. Contrary to common perception, Shia jurisprudence does not confine the concept of money solely to physical cash. It attributes the financial value of a currency to its acceptance and desirability among rational individuals and the general public. Since Shia jurisprudence imposes no limitation on financial value being exclusively derived from consumerist benefits, digital currencies—including Bitcoin—can possess financial value and religious legitimacy, provided certain conditions are met.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license: <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

بررسی جرایم ارزشهای مجازی از دیدگاه فقه جزایی

عباسعلی اکبری

گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران

(نویسنده مسئول) پست الکترونیک: dr.akbari@iaut.ac.ir

توحید پوراحمدثانی

گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۳

چکیده

ارزهای دیجیتال به دلیل پیچیدگی‌های متعدد و شبهات فراوانی که پیرامون آن‌ها مطرح است نیازمند بررسی دقیق هستند. در این مقاله سعی شده که در وهله اول به شرح و تبیین دقیق ارزشهای دیجیتال پرداخته شود تا غبار شبهات از هویت حقیقی این ارزشها زدوده گردد؛ در نگاه اول، ارزشهای دیجیتال بسیار پیچیده و مبهم به نظر می‌رسند؛ اما در واقع ماهیت ساده‌ای دارند که در کنار معایب، مزایا و نظرات مختلف مطرح شده پیرامون آن‌ها، در سراسر جهان، حقیقت وجودی اشان، مفقود شده است (بیت کوین) ارزش مجازی پول رمزنگاری شده‌ای است که فقط از راه فضای مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر ابعاد فقهی موضوع با دو رویکرد فقه فردی و حکومتی و همچنین در دو سطح معامله و استخراج تبیین گشته است؛ علاوه بر این نیز با استفاده از روش تحقیق اجتهاد چندمرحله‌ای و نظر خبرگان مالی اسلامی و مراجع عظام تقلید شروط جواز استفاده از پول‌های رمزنگاری شده احصا گردیده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در خصوص مشروعیت این پول بین فقها اختلاف نظر است، بعضی فقها نظر به عدم مشروعیت آن دارند و مهمترین دلایل فقهاء برای رد مشروعیت بیت کوین ابهام داشتن این ارز، مشخص نبودن مبدا و مقصد آن، پرخطر و ریسک‌پذیر بودن و خارجی بودن آن است. اما برخی دیگر از فقها و اقتصاددانان قایل به مشروعیت ارز مجازی هستند و دلایلی نیز بر مشروعیت آن بیان می‌دارند. نتیجه‌گیری دیدگاه فقه در مقابل با موارد مستحدثه مالی از جمله بیت کوین تاییدی است. پول مورد تایید فقه شیعه محصور به وجوه نقد نیست. مالیت یک ارز رابطه مستقیمی با مطلوبیت آن در میان عرف عقلاء و مردم دارد. در فقه شیعه هیچ قید و مبنایی مبنی بر آن که مالیت ایجاد شده از مزایای مصرف‌گرایی باشد وجود ندارد و ارزش مجازی و بیت‌کوین مالیت دارد.

واژگان کلیدی: ارز مجازی، فقه جزایی، حقوق کیفری.

مقدمه

پول یکی از اختراعات مهم بشر است و از محدود پدیده هایی است که قدمتی به عمر بشریت دارد. از زمان ورود پول به داد و ستدهای میان انسانها، موسسات مالی و اعتباری مثل بانکها با پشتیبانی حکومت ها، در بسیاری از زمانها با چاپ یا گردآوری پول از جامعه تلاش در پیاده سازی اهداف اقتصادی خود داشته اند. از طرف دیگر امروزه در بازرگانی بین الملل، نهادهای پولی مثل بانکها و موسسات، مبالغ هنگفتی را در غالب هزینه های انتقال وجه و هزینه مبادلات پول دریافت می کنند به همین دلایل جهت ایجاد یک واحد پولی که موسسات مالی و بانکی بر آن نظارتی نداشته باشند، مفهوم پول مجازی به معنای پول رمزنگاری شده، نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط ویدای مطرح شد. او ایده ی شکل بدیعی از پول را ارائه کرد که از شیوه ی رمزنگاری الکترونیکی برای مهار تولید پول و انجام مبادلات و تجارت بی واسطه و نهاد مرکزی استفاده شود، اما این ایده تا سال ۲۰۰۹ میلادی تنها در حد یک نظریه ماند. در آن سال توام با بحران رکود جهانی تجارت و اقتصاد، فردی (شاید گروهی با نام ساتوشی، ناکاماتو یک پول مجازی به نام بیت کوین را همراه با الگوریتم ریاضی آن مطرح کرد. روش انجام این پژوهش در مرحله ادبیات موضوع، کتابخانه ای و در مرحله ی تجزیه و تحلیل مطالعات، توصیفی استنباطی است. در این پژوهش ذیل یافت پاسخ به این سوالات هستیم.

۱. جرایم ارزهای مجازی از دیدگاه فقه جزایی چگونه بررسی می شود؟

۲. ارز دیجیتال چه چالشی در عملکرد بانک مرکزی و نهاد صرافی ایجاد می کند؟ در مورد ویژگیهای رمز ارز بیت کوین، به صورت خلاصه می توان بیان کرد که یک شکل جدید از پول رمزنگاری شده است با یک تفاوت بزرگ با سایر پولها، هیچ کس آن را کنترل نمی کند. پولهای معمولی به وسیله بانکهای مرکزی ایجاد می شوند، در واقع بانکهای مرکزی تصمیم می گیرند این پولها وجود داشته باشند. رمز ارزها و به طور خاص بیت کوین، این رویه را تغییر داده است، یعنی نه یک شخص و نه یک کمپانی روی فرآیند تولید و تغییر قیمت آن هیچ کنترلی ندارند.

مبانی نظری تحقیق

ارزهای دیجیتال مانند اتریوم به عنوان جایگزین های دیجیتالی برای پولهای منتشر شده از سوی دولت ها رشد کرده اند. از معروف ترین ارزهای دیجیتال می توان بیت کوین، اتریوم، لایت کوین، آیس، پولکادات و غیره نام برد. برخی از ارزهای دیجیتال از جهاتی شبیه بیت کوین هستند و برخی دیگر مبتنی بر فناوری های مختلف بوده یا دارای ویژگی های جدیدی هستند که به آنها اجازه می دهد تا کاربردی بیش از انتقال ارزش داشته باشند. ارزهای دیجیتال انتقال ارزش را بدون نیاز به واسطه مانند بانک یا پردازشگر پرداخت به صورت آنلاین امکان پذیر می کنند و این امکان را فراهم می کنند که ارزش به صورت سراسری و با سرعتی بالا و در هر ساعت شبانه روز، با هزینه کم انتقال یابد. در این مقاله مروری بر موضوعات مهم رمز ارزها خواهیم داشت.

۱- مفهوم شاخصه های اصلی پول

بررسی تعریف پول، ماهیت حقوقی آن و ویژگی های اصلی و کارکردهای مهم آن به ما کمک کند تا کارکرد اصلی پول و نیز هدفی که از پیدایش آن مدنظر بوده است را در پاسخ به سوالات فراموش نکنیم. بر این اساس ابتدا به تعریف پول و تبیین ماهیت حقوقی آن می پردازیم و سپس اهداف اصلی و شاخصه های مهم پول را مورد بررسی قرار می دهیم (اخوان، ۱۳۹۷: ۳۶).

۱-۱- تعریف ارز دیجیتال

ناگفته معلوم است که زمان زیادی از استفاده از ارزهای مجازی نمی گذرد و شاید به صورت حدودی می توان گفت عمر استفاده از این ارزها حداکثر ۱۵ سال است با این به دلیل حال گسترش روزافزون استفاده از این نوع ارز به خصوص در ۴ سال اخیر، تشریح و بیان آکادمیک این ارز، امری اجتناب ناپذیر است گرچه هنوز تعریف واحد و قابل اعمالی برای ارز مجازی تدوین نشده است اما مراجع و نهادهای مختلف اقدام به ارائه تعاریفی کرده اند ولی قبل از ارائه ی یک تعریف مناسب از ارزهای مجازی، بهتر است ابتدا گفته شود که ارز جا می شود، بنابراین هر نوع پولی که بر اساس صفر و یک باشد در گستره این تعریف قرار می گیرد، به عنوان مثال کد یا شماره های موجود در حساب بانکی اشخاص تجلی کننده ریال های حقیقی موجود در آن هستند که در یک حساب نگهداری می شود و در تعریف ارز دیجیتال جای می گیرند همچنین ارزهای مجازی معمولاً توسط یک دولت پشتیبانی نمی شوند و به عنوان پول قانونی تلقی نمی شوند بنابراین به عبارت ساده ارزهای مجازی گونه ای از ارزهای دیجیتالی به شمار می آید اما هرگونه ارز دیجیتالی ارز مجازی به شمار نمی رود کما اینکه رمز ارزها نیز گونه ای از ارزهای مجازی هستند اما همه ارزهای مجازی رمز ارز نیستند و از نظر حقوقی عبارت ارز دیجیتالی یک عبارت است یک عبارت جامع است. با توجه به آنچه گفته شد طبیعتاً از ارز مجازی تعاریف مختلفی تاکنون ارائه شده است (حاتمی، ۱۳۹۳: ۴۲).

۱-۲- انواع ارز دیجیتال

در بند قبل اشاره کردیم که در مورد ارزهای مجازی تعریف واحد و جهان شمولی وجود ندارد که دلیل این موضوع به خاطر کاربردهای مختلف ارز مجازی و انواع متفاوت این نوع ارز می‌باشد. ارز مجازی یک مفهوم جامع بوده که انواع مختلفی از ارزها در دایره‌ی تعریف آن فرار می‌گیرند، ارز مجازی از این جهت که قابل لمس نبوده به نوعی ارز دیجیتال قلمداد می‌شود اما فرق مهم و بنیادین آن در این موضوع است که پول دیجیتال نماینده پول‌های چاپ شده‌ی یک نهاد بانکی مثل بانک مرکزی یک کشور بوده که فقط سازوکار آن فیزیکی نمی‌باشد در حالی که ارز مجازی کاملاً با پول بانکی متفاوت است و یک ارز جدید با ماهیت منحصر به فرد است. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر بررسی چالشهای ارز بیت‌کوین می‌باشد و این ارز جزء رمزارزها می‌باشد و رمزارز نیز زیرمجموعه ارز مجازی می‌باشد لذا تشریح انواع مختلف ارز مجازی از حیث کارکرد آن امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. پژوهش حاضر بررسی چالشهای ارز بیت‌کوین می‌باشد و این ارز جزء رمزارزها می‌باشد و رمز ارز نیز زیر مجموعه ارز مجازی می‌باشد لذا تشریح انواع مختلف ارز مجازی از حیث کارکرد آن امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (حاتمی، ۱۳۹۳: ۵۲).

۱-۳- بیت‌کوین

کوتاه‌ترین تعریفی که از بیت‌کوین شده است به این صورت می‌باشد که بیت‌کوین یک ارز مجازی نامتمرکز می‌باشد. بانک مرکزی اروپا در تعریفی که از بیت‌کوین ارائه داده است این گونه بیان داشته: «بیت‌کوین یک ریسک بالا نامتمرکز سیستم هم‌پای اینترنتی و پول الکترونیکی غیر قابل کنترل است که برخی آن را همانند پول متداول استفاده کنند.» می‌همچنین گفته شده است بیت‌کوین یک ارز، دیجیتال، نامتمرکز، تا حدی ناشناخته باشد که پشت سر آن نه هیچ دولتی و قانونی وجود ندارد همچنین امکان باز خرید آن همانند طلا نیست.» برخی نیز بیان داشته‌اند که بیت‌کوین یک سیستم پرداخت جدید بوده و یکی از انواع متنوع پول می‌باشد. این پول به عنوان یکی از ابداعات نوین سیستم اقتصادی توجه بسیاری را به خود جلب کرده که این امر موجب افزایش ارزش و اعتبار این ارز شده است. این در حالی است که هیچ سیستم متمرکز مرکزی منتشر کننده آن نبوده بلکه هر کسی می‌تواند با حل برخی معادلات ریاضی مالک آن شود. (لسان، ۱۳۹۹: ۱۰۲۹).

۲- دیجیتالی بودن و رمزنگاری

ویژگی رمزنگاری موجب شده است که امنیت این نوع ارز بالا رفته و به راحتی امکان تولید و منتشر کردن مانند آنها وجود نداشته باشد به عبارت دیگر ویژگی رمزنگاری رمزارزها موجب شده که نتوان از یک رمزارز دوباره تولید کرد بلکه ارزهای هر شخص واجد جنبه متمایز شوندگی است که موجب می‌گردد هیچ کس دیگر به غیر از صاحبان نتواند از آن استفاده کند. رمزنگاری به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد رمزارزها همانند بیت‌کوین برای مصرف‌کنندگان آن جنبه حمایتی دارد علت تمایل روزافزون به اینگونه ارزها و خاص بودن این نوع ارزها وابستگی بسیار شدید رمزارزها به جنبه رمزنگاری باشد که اگر خللی در ساختار این رمزنگاری ایجاد شده باشد و امنیت این ارزها تهدید شود باید گفت که افول این گونه ارزها فرا خواهد رسید و پیگیری و دستگیری افراد که در محیط دیجیتال مرتکب تخلف می‌شوند بسیار سخت‌تر از محیط فیزیکی است به همین علت همگان امکان رویارویی با اشخاص متخصصی که به راحتی بتوانند ارزهای رمزنگاری شده را هک کرده و آن را به سود خود استفاده کنند ندارد به همین دلیل ویژگی رمزنگاری این ارزها ضامن حیات و دوام آنها خواهد بود رمزنگاری در فعالیت‌های مختلف اینترنتی به کار گرفته می‌شود که مهمترین آنها شامل رمزارزها، شناسایی هویت، مجوزهای امنیتی و رای‌گیری دانست (شانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

۳- امکان پولشویی و گسترش بخش غیررسمی

برطبق بند ب ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور هدف بانک مرکزی تسهیل مبادلات تجاری و کمک به رشد اقتصادی کشور است و بر طبق ماده ۱۱ قانون فوق‌الذکر بانک مرکزی ایران به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور معرفی شده، در بیت‌کوین به علت شاخصه و ویژگی رمزنگاری این رمزارز و مجهول بودن هویت دو طرف قرارداد هدف و قصد جابه‌جایی قسمتی از قراردادها و ذخیره و پنهان کردن درآمدها توسط این سازوکار قراردادی وجود داشته و نتیجتاً رخداد فرار مالیاتی میسر خواهد شد واضح و مشخص است که فرار مالیاتی به کم شدن درآمدهای دولت می‌شود و بستر جهت توسعه‌ی اقتصاد غیررسمی میسر می‌شود فارغ از این موضوع با توجه به سیستم رمزارزها، ممکن است که مجرمین و تبهکاران تا درآمد غیرقانونی خود را به وسیله‌ی پولشویی وارد جریان مالی کشور کنند. در پاسخ می‌توان گفت پولشویی می‌تواند با هر نوع ارزی انجام شود و بیت‌کوین هم که یک رمزارز محسوب می‌شود از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین احتمال اینکه بتوان از بیت‌کوین یا هر رمزارز دیگر به عنوان ابزاری برای پولشویی استفاده کرد غیر قابل انکار است. اما آیا صرفاً به خاطر احتمال پولشویی با بیت‌کوین باید بیت‌کوین و رمزارزها را تحریم کرد؟ در این صورت استفاده از یورو، دلار و طلا یا هر کالای دیگر را که می‌توان از آن برای پولشویی استفاده کرد را می‌بایست ممنوع اعلام کرد راهکار مبارزه با پولشویی در رمزارزها از طریق اجرای مقررات شناسایی مشتری در صرافی‌ها یا از سوی

طرفهای معامله است. چنانچه هویت افراد در صرافی‌ها به طور کامل ثبت شود، آنگاه امکان مبارزه با پولشویی نیز فراهم می‌شود. همچنین روشهای هوشمندی وجود دارد که امکان ردگیری زنجیره تراکنشها را فراهم کرده و از ردپاهای استخراج شده برای پیگرد مذنونهای جرائم روی بستر بیت کوین یا سایر رمزارزها استفاده می‌کنند (زمانی فراهانی، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

۴- چالشهای ارز مجازی در عملیات بانکداری

بانک که با مفهوم پول گره محکمی خورده است بسان قلبی می‌ماند که در رگهای جامعه پول را به جریان می‌اندازد هرگونه تغییر و نابسامانی این قلب می‌تواند جامعه را فلج کند، فارغ از ماهیت بیت کوین اعم از اینکه یک پول مجازی باشد یا شیوه پرداخت، خواه ناخواه تبادلات این نوع رمزارز در فعالیت بانکها تاثیر بسزایی دارد، لذا در این قسمت بررسی می‌کنیم که آیا اساسا بیت کوین می‌تواند کارکرد بانک داشته باشد یا خیر به عبارت ساده بیت کوین قابلیت جانشینی بانکها را دارد.

گفتار اول: چالش‌های بیت کوین و ویژگی‌های اصلی بانک نهاد بانک به فعالیتهایی اشتغال دارد که به طور مستقیم از مصادیق موضوعات پولی ارزی و بانکی هستند. بنابراین تبادلات بیت کوین قطعا در عملکرد بانک تاثیراتی دارد که در این گفتار به تطبیق برخی از ویژگی‌های بیت کوین با شاخصه‌های اصلی نهاد بانک خواهیم پرداخت (خردمند، ۱۳۹۸: ۸۵).

۴-۱- چگونگی کارکرد بیت کوین بدون حضور بانک

ارتباطاتی که از دید طرفهای سوم شخص به دور است هر بیت کوین و هر کاربری که به وسیله یک هویت یکتا رمزنگاری شده‌اند و همه این تراکنشها در دفتر کل عمومی ثبت شده‌اند که برای همه رایانه‌های شبکه قابل مشاهده است اما هیچ اطلاعات شخصی را در مورد طرف‌های درگیر فاش نمی‌کند، دفتر کل تایید عمومی می‌کند که انتقال‌دهنده اولیه بیت کوین مالک حقیقی بیت کوین خرج شده بوده و در نتیجه تراکنش تایید شده با پذیرنده بیت کوین مالک جدید بیت کوین است دفتر کل عمومی ویژگی اصلی بیت کوین دیگر هستند زیرا مسئله دوبار خرج کردن پول خرج کردن پول که مالکش نیستیم یا توسل به جعل و تقلب و بدون نیاز به وجود یک واسطه شخص سوم شخص مانند بانک یا شرکت کارت اعتباری برای تصدیق درستی تراکنش الکترونیکی بین خریدار و فروشنده را به طور همزمان حل کرده است. (عباسیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

۵- تطبیق ارزشهای دیجیتال بر قواعد فقهی

۵-۱- قاعده احترام

مطابق قاعده فقهی، احترام، مال جان و عمل، مسلمانان محترم است و چنانچه کسی به آنها تجاوز کرده و حرمت مسلمانان را بشکند مرتکب حرام شده است همچنین هیچ کسی اجازه ندارد، بدون اذن و رضایت صاحب مال در آن تصرف کند؛ و در این صورت ملزم به پرداخت اجرت‌المثل و یا در صورتی که منجر به تلف شود موظف به جبران خسارت است. بر اساس قاعده احترام و حرمت تضييع اموال، مسلمین اگر ارزشهای دیجیتال وارد چرخه اقتصاد جامعه مسلمانان شوند؛ در بخشی از جامعه اسلامی میزان تولید، پول، افزایش پیدا می‌کند؛ این در حالی است که در جانب دیگر، جامعه از وجود چنین پولی خبری نیست ورود نامتوازن این پول می‌تواند موجب تضييع حقوق بخشی از جامعه مسلمین شود و به همین علت است که با عنوان حرمت رو به رو خواهد بود (صمدی لرگانی، ۱۳۹۶: ۱۱).

۵-۲- قاعده حفظ نظام

قاعده حفظ نظام از مباحث مطرح شده نوین توسط فقهای معاصر است و از قواعد اصطیادی به شمار می‌رود و در این تعریف منظور از حفظ نظام ایستادگی و مبارزه با هر عملی است که می‌تواند یک دستی هماهنگی، توازن و پیوستگی جامعه نظام‌مند اسلامی را به خطر بیندازد. ناگفته نماند که مفاد این قاعده در مواردی معتبر است که حفظ نظام نوع مردم و حیات اجتماعی آنها مطرح باشد و شامل نظامات کوچکی که اگر مختل شوند اختلالی در نظام جامعه اسلامی وارد نمی‌کنند؛ نخواهد بود. اگر ارزشهای دیجیتال وجهه مثبتی برای جامعه نداشته باشند و حتی باعث خروج ارز از کشور شوند، به جرأت می‌توان گفت که این ارزشها موجب اختلال نظام اسلامی می‌شوند؛ در نتیجه، می‌بایست استفاده از آنها ممنوع اعلام شود اما به نظر می‌رسد که مشکلات پولهای مجازی مانند پولشویی مشکلات، امنیتی تسهیل جرایم اینترنتی و سایر مواردی که بیان شده، همگی از مسائلی هستند که به وسیله پول‌های رایج امروزی نیز مشاهده می‌شود و در نظام مالی فعلی کشورها نیز رواج دارد؛ اما پول‌های مجازی به علت سرعت عمل و پروتکل رمزنگاری شده‌ای که دارند، موجب تسریع و سهولت ارتکاب این جرائم می‌شوند، بنابراین چنانچه بتوان راه کار مناسبی برای کنترل دارندگان ارزشهای مجازی طراحی کرد می‌توان گفت که ارزشهای دیجیتال موجب اختلال در نظام اسلامی نمی‌شوند

و حتی بالاتر از آن شاید با استفاده از خاصیت دور زدن تحریمها به وسیله این ارزشها برای برون رفت اقتصاد کشور از تحریمهای فعلی، بتوانیم این ارزشها را ابزاری برای حفظ نظام اسلامی در برابر تحریمهای ظالمانه قلمداد کنیم (جمالزاده، ۱۳۹۶: ۴).

۵-۳- قاعده اتلاف

از کلمه اتلاف در معنای نابودی به کار گرفته شده است و مطابق قاعده «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است.

اتلاف را میتوان بر دو قسم تقسیم کرد: اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی.

اگر فردی مال شخص دیگر را از بین برده و یا نابود کند فعل او اتلاف حقیقی نام دارد مثلاً حیوان فرد را تلف کند پارچه‌اش را بسوزاند منزلش را ویران کند و امثالهم. ولی در اتلاف حکمی نفس مال نابود نمی‌شود بلکه در این نوع اتلاف در عین باقی بودن اصل مال آن شیء مورد نظر از درجه مالیت ساقط شده و دیگر ارزشی ندارد مانند این که شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را به صاحبش برگرداند. در اینصورت هرچند که عین یخ و برف نابود نشده اما آن یخ و برف در فصل تابستان، ارزشمند بود نه در فصل زمستان چرا که در فصل زمستان دیگر کسی نیاز به خریدن یخ ندارد. در اینجا اتلاف حقیقی رخ نداده است؛ بلکه فعل فرد خطاکار در حکم اتلاف می‌باشد. بنابراین اتلاف در اینجا حکمی است (صدر ۱۴۴۰ق: ۱۱۵-۱۱۱).

همچنین ماده ۳۲۸ قانون مدنی می‌گوید هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است. در مورد مبحث ارزشهای دیجیتال باید بیان کنیم که می‌توانند منجر به اتلاف مال و سرمایه مسلمانان شوند هر چند که اتلاف آنها حقیقی نبوده و حکمی باشد پس روشن است که حاکم جامعه اسلامی می‌تواند با تمسک به قاعده اتلاف مانع جریان یافتن ارزش دیجیتال در میان مسلمانان شود چراکه کاستیهای ارزشهای دیجیتال به راحتی میتوانند موجب اتلاف اموال مسلمانان باشند (صمدی لرگانی ۱۳۹۶: ۱۱).

۵-۴- قاعده لاضرر

در مورد غرری بودن معاملات بیت کوین در تیترا دلایل مخالفت برخی پژوهشگران با ارزش دیجیتال توضیح داده شده همانند سایر قواعد فقهی با استناد به قاعده لاضرر می‌توان به ممانعت از ارزشهای دیجیتال پرداخت ارزشهای دیجیتال به دلیل کمبودهایی که هنوز برطرف نشده می‌توانند موجب ضرر رساندن به مسلمانان شوند. قاعده لاضرر عملاً مبنای اصلی بسیاری از قواعد فقهی‌ای که تاکنون مطرح کردیم را تشکیل می‌دهد.

به بیان ساده مطابق قاعده لاضرر هر گونه ضرر رساندن ضمان آور است و کسی که ضرر را وارد کرده ضامن جبران خسارت ضرری است که به ضرر دیده وارد کرده است. و یکی از محکمترین ادله قاعده لاضرر ولا ضرار فی الاسلام بناء عقلا است (طباطبایی، ۱۳۳۸ق: ۱۵۶، ۱۵۱، ۱۵۴).

بر اساس این قاعده هرگونه فعالیتی پیرامون ارزشهای دیجیتال ممنوع هستند. هرچند که قاعده دیگری به نام قاعده تسلیط وجود دارد و مطابق آن افراد بر دارایی‌هایشان تسلط دارند و میتوانند در مال خود دخل و تصرف کنند. پس ارزشهای دیجیتال یا هر مال دیگری باتوجه به قاعده تسلیط، قابل بهره‌برداری اند اما در اینجا قاعده لاضرر ورود کرده و دامنه قاعده تسلیط را مضیق می‌کند چرا که ارزشهای دیجیتال دارای معایبی هستند که به وضوح می‌توان ضرر رسان بودن آنها را مشاهده کرد و این چنین است که قاعده لاضرر بر تسلیط پیشی می‌گیرد. (صمدی لرگانی، ۱۳۹۶ش، ۱۱)

۵-۵- قاعده نفی سبیل

آیه مشهوری که برای قاعده نفی سبیل به آن استناد می‌شود آیه شریفه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء است (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا).

«و خداوند هرگز بر (زیان) مومنان برای کافران راه تسلطی قرار نداده است» بنابراین قاعده در تشریح دین مبین اسلام هیچگونه حکمی که موجبات تسلط کفار بر مسلمانان و مومنان را فراهم آورد وجود ندارد این حکم به صورت کلی و عام است و همه موارد را شامل می‌شود (مصباح، ۱۳۹۷: ۴).



در ۴ بهمن سال ۱۳۹۶ پایگاه خبری - تحلیلی مشرق نیوز خبری را منتشر کرد و طی آن خبر به افشای پشت پرده وابستگی بیت‌کوین به سازمان سیا پرداخت. (Mashreghnews.ir) افشاگری درباره بیت‌کوین مشرق نیوز اما هنوز هیچ کس از جانب کشورهای انگلیس و آمریکا این خبر را تایید نکرده است. در صورتی که صحت این ماجرا معلوم گردد؛ بنا بر قاعده دفع خطر محتمل موظف به ممانعت از ارزشهای دیجیتال هستیم طبق قاعده دفع خطر محتمل که از قواعد عقلی است، اگر در مورد مسئله‌ای احتمال خطر بدهیم از نظر عقلی دفع آن خطر محتمل واجب است.

۵-۶- قاعده عدالت

در مباحث فقهی عدالت زیر بنای بسیاری از احکام شرعی است و رعایت عدالت مالی و اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت از الزامات اقتصاد مبتنی بر اسلام است. یکی از دلایلی که می‌تواند منجر به عدم پذیرش بیت‌کوین یا سایر ارزشهای دیجیتال شود؛ برهم زدن توازن اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت توسط این ارزها است (قرن بیگلو، ۱۳۹۸: ۱۳).

البته بعید به نظر می‌رسد ارزشهای دیجیتال زمینه را برای توزیع ناعادلانه ثروت فراهم کرده باشند. با توجه به روشهای بدست آوردن ارزشهای دیجیتال که مفصلاً ذکر شد افراد کم درآمد نیز می‌توانند از طریق برخی روشهای یادشده ارزشهای دیجیتال را به دست آورند. و حتی می‌توانند یک درصد از یک بیت‌کوین را خریداری کنند بر این اساس هر فرد با هر میزان بهره مالی که دارد می‌تواند از ارزشهای دیجیتال استفاده نماید.

۶- نبود مالیت محض برای رمزارزها از لحاظ دیدگاه فقه جزایی

از نظر برخی فقیهان شروط معتبر برای متصف شدن یک چیز به نقد و پول بودن این است که از اموری باشد که مالیت اشیا دیگر با آن اندازه‌گیری شود یا به تعبیر دیگر از اموال محض باشد؛ این در حالی است که به جهت عدم شیوع و رواج ارزشهای دیجیتال به حدی که آنها را معیاری برای اندازه‌گیری اشیا دیگر قرار دهد آنها هنوز این ویژگی را در بازارهای داخلی و خارجی پیدا نکرده‌اند؛ بلکه مسئله به عکس است و در بیشتر اوقات این رمزارزها هستند که با پولهای رایج قیمت‌گذاری می‌شوند که در این حالت آنها بیشتر شبیه کالا هستند تا پولی که قرار است معیار قیمت‌گذاری باشد.

نکته نخست پول و نقد اگرچه موضوع عده‌ای از احکام شرعی مانند وجوب زکات نقدین، حرمت معاوضه آنها با تفاضل اشتراط تقابض در مجلس در صحت بیع آنها، اشتراط صحت مضاربه به نقد بودن رأس المال و همچنین اینکه از اصناف دبه است، بسیاری از فقهای عظام این احکام را به خصوص نقدین رایج در زمان نبی اکرم و ائمه طاهین یعنی درهم و دینار اختصاص داده و آن را به سایر اقسام نقود مانند پولهای ورقی رایج در امروز نداده‌اند. تکمله عروه‌الوثقی آمده است: در اسکناس شمرده شده از جنس غیر نقدین، قیمت معین خود را دارد و بر آن حکم نقدین بار نمیشود. پس جائز است بیع بعضی از آن با بعضی دیگر و آن با نقدین همراه با تفاضل و همچنین حکم صرف بر قبض در مجلس باشد جاری نمی‌شود (عبدالسمیع، ۱۴۲۰ق: ۱۳۲۵).

آن که وجوب در منهج‌الصالحین سید حکیم آمده است حکم صرف بر پولهای کاغذی مثل دینار عراقی و روپیه هندی و تومان ایرانی و دلار و پوند و مانند آن از اوراق که در این زمان به جای نقدین استعمال می‌شوند، جاری نمی‌شود، پس صحیح است بیع بعضی از آن به بعضی دیگر و اگرچه تقابض قبل از افتراق محقق نشود کما اینکه زکات نیز در آنها نیست» (طباطبایی الحکیم، ۱۳۳۸ق: ۱۱۱۴).

احوط جاری کردن حکم صرف بر پولهای کاغذی است. پس دینار به تومان فقط همراه تقابض از دو طرف بیع می‌شود البته از برخی فقهای عظام مانند شهید صدر میل به تعمیم ظاهر می‌شود: «احوط جاری کردن حکم صرف بر پولهای کاغذی است. پس بیع دینار به تومان فقط همراه تقابض از دو طرف صورت می‌گیرد همان طور که در جایی دیگر در بحث زکات نقدین بیان می‌کند.

در اینجا کلامی است که آیا زکات نقدین به خصوص آن چیزی که به نقود نام‌گذاری می‌شود، اختصاص پیدا می‌کند یا نه مقصود از نقدین در زکات هر چیزی است که تمحض در مالیت پیدا کند یا به طبیعت خودش مانند نقود یا به عنایت آماده‌سازی اش برای تجارت مثل کالای تجاری ولی شرط است در وجوبش که بر آن کالا طبق قول به وجوب یک سال بر کالا به عینش بگذرد (صدر، ۱۴۴۰ق: ۹۲۵).

برخی دیگر از فقها مانند مرحوم آیت الله هاشمی قایل به تفصیل شده‌اند. ایشان در زکات احتیاط کرده و بیان می‌کند در الحاق پولهای کاغذی که امروزه برای معامله رایج‌اند به نقدین در وجوب زکات وجهی است که همراه با آن احتیاط ترک نمی‌شود و نصاب در آن نصاب طلا است»

(طباطبایی، الحکیم ۱۳۳۸ق: ۸۲۲). این در حالی است که در باب صرف به همان فتوای مرحوم آیت الله حکیم (همان، ج ۲، ص ۷۰) و در باب دیه به الغای خصوصیت از درهم ۱۸ و دینار قایل شده است (هاشمی شاهرودی ۱۴۳۲ق: ۷۲۵).

به هر حال در محل کلام به نظر راه مقابل فقیه قرار دارد که به هر کدام از آنها و نتایجشان اشاره می‌شود.

۱. فقیه به عدم الغای خصوصیت از سکه طلا و نقره دینار و درهم به نحو مطلق قایل می‌شود. نتیجه این قول آن است که بین موصوف شدن رمزارها به پول و نقدیت عرفی و موصوف نشدن آنها فرقی نیست؛ زیرا مفروض آن است که از منظر فقیه احکام مزبور بر قسم خاصی از نقود که درهم و دینار معهود، باشند جاری می‌شود نه همه انواع پس نقود رایج و رمزارها در اینکه احکام بر در هم و دینار بار نمیشود، مشترک‌اند.

۲. فقیه قایل می‌شود که درهم و دینار مذکور در نصوص تنها یک مثال برای نقد رایج در بین مردم هستند. پس چون خصوصیتی برای درهم و دینار قایل نیست، در این هنگام به بارشدن همه احکام مذکور بر آن چیزی که عنوان ذکر شده بر آن عرفاً صدق کند، فتوا می‌دهد. نتیجه این قول آن می‌شود که اگر احراز کرد که پول دیجیتال واقعاً پول است، مضاربه بر آن را جایز می‌شمارد به وجوب زکات و حرمت بیعش با تفاضل و غیر آن از احکام فتوای دهد.

با فرض شک در صدق عنوان بر آنها نیز در هر حکم به آن چیزی که مقتضای دلیل لفظی یا اصل عملی است، رجوع می‌کند که در هر مسئله متفاوت خواهد بود.

فقیه در ترتب احکام تفصیل می‌دهد؛ به این نحو که در بعضی احکام شرعی قایل به معلومیت یا احتمال خصوصیت نقود مسکوک معهود یعنی دینار و درهم می‌شود و در برخی دیگر از احکام شرعی بیند. نتیجه تفصیل با ملاحظه دو فرض گذشته روشن می‌شود.

از مجموع مطالب گفته شده در نکته نخست حاصل می‌شود که اگر کسی قایل شد که برخی از احکام مترتب بر مطلق نقود می‌شوند و اختصاصی به دینار و درهم ندارند و هم چنین نپذیرفت که رمزارها از جمله پولها و نقود، باشند این احکام را نمی‌تواند بر آنها مترتب سازد. اما با توجه به نکته دوم که بیان می‌شود این مطلب ارتباطی به صحت معامله با آنها ندارد.

پس رد مذکور در کلام محقق عامی از جمله قید شیوع معامله، قید اتصاف شیء به نقدیت است نه ثمنیت. زیرا به لحاظ فقهی مسلم است که ثمن اگر مال باشد و قابل نقل، برای بیع کفایت می‌کند. حتی برخی فقها به عدم اشتراط مالیت برای ثمن قایل شده‌اند. به هیچ عنوان شیوع معامله با آن شیء برای ثمنیت معتبر نیست. امام خمینی بیان می‌کنند اما ثمن جایز است که منفعت باشد یا عملی باشد که مالیت دارد، بلکه جایز است حق قابل انتقال باشد؛ مانند حق تجبیر و اختصاص...» (خمینی، ۱۴۳۹ق: ۶۲۲). همچنین در خصوص حکم نسبت به اجرت بیان می‌کند جایز است که عین خارجی باشد یا کلی فی‌الذمه باشد یا عمل باشد و یا منفعت باشد یا حق قابل نقل باشد مثل ثمن در بیع.

۷- اشکال بر مالیت رمزارها از لحاظ دیدگاه فقه جزایی

بعد فراغ از پاسخ به این اشکال که رمزارها ذاتاً مالیت ندارند، اشکال دیگری نیز مطرح می‌شود. مالیت هر شیء وابسته به نوعیت رغبت عقلایی به آن شیء است و این نحو رغبت در حال حاضر نسبت به پولهای دیجیتال منتفی است. پولهای رایج که اگرچه خودشان ذاتاً تنها یک کاغذند که منفعتی ندارند به جهت اعتباری که دارند با واسطه می‌توانند نیازهایی را مرتفع کنند و از این حیث دارای منفعت شده و به تبع مورد رغبت عقلا قرار گرفته‌اند. اما رمزارها این‌گونه نیستند و نهایت مورد رغبت بعضی از عقلاً می‌باشند و به راحتی نمی‌توان برای آنها مالیت قایل شد (جوادی ۱۳۹۷: ۷۹). اما در این مطلب اشکالاتی وجود دارد:

اولاً در مالیت عمومی بودن رغبت عقلاً معتبر نیست؛ بلکه وجود رغبت عقلایی شخصی نیز کافی است. یعنی اگر تنها رغبت شخصی وجود داشت که توجیه‌کننده عقلایی داشت نیز مال صدق می‌کند. مثلاً اگر وجود ورقه‌ای فرض شود که خطی روی آن وجود دارد و مشتری ببیند این خط پدر یا جد اوست و بخوهد آن را بخرد و به عنوان یادگاری از پدر یا جدش حفظ کند، در این صورت با اینکه به این ورقه کاغذ. عموم عقلا رغبت و تمایلی ندارند آن را مال میدانند (هاشمی شاهرودی ۱۴۳۸ق: ۴۵۸)؛ زیرا عقلاً آن شخص را تخطئه نمی‌کنند که برای به دست آوردن یادگاری از جدش هزینه کند اگرچه خود آنها برای به دست آوردن آن شیء مالی را پرداخت نخواهند کرد. توضیح بیشتر آنکه معنای عمومیت رغبت عقلا این نیست که همه مردم یا حتی بیشتر مردم به آن شیء رغبت داشته باشند؛ زیرا التزام به چنین چیزی سبب خروج بسیاری از اشیائی که مالیتشان مسلم است از مالیت خواهد بود. برای مثال بسیاری از غذاها و میوه‌های گران قیمت در برخی مناطق عالم وجود دارد که بسیار یا بخشی از مردم دیگر مناطق از آنها مشتم می‌شوند یا بعضی از لباسها و پوششها که برای برخی مردم پوشش مطلوب شوند، برای برخی دیگر به جهت اعتقادات دینی و فرهنگی آنها اموری ناپسند شمرده می‌شوند. با این وصف کسی در صدق عنوان مالیت بر این گونه امور تردید نمی‌کند.



پس به ناچار رغبت بعضی از مردم برای اتصاف به مالیت کفایت می‌کند ثانیاً فقدان مالیت بر فرض تسلیم به آن تنها زمانی مانع از صحت بیع است که بیع به مبادله مال به مال تعریف شود. ولی اگر نظر برخی فقها مانند امام خمینی پذیرفته شود که را به گونه دیگر تعریف نموده امر آسان خواهد شد (خمینی، ۱۴۲۱ق: ۳۷). البته اگر فقیهی قوام بیع را هم به همین مالیت بدانند نهایت به عدم جواز. بیع رمزارها قایل می‌شود نه عدم جواز مطلق. هر عقدی با آنها و در این حال تمسک ادله امضا رمزارها در ضمن عقود دیگر به جز بیع ممکن است.

حکم بیع به عموم مؤید این مطلب آن است که شیخ انصاری در مکاسب در حالی که به استغراب ممنوعیت بیع زالو برای مکیدن خون بر مرحوم علامه حلی اشکال می‌کند می‌فرماید: مانعی از التزام جواز بیع هر آن چیزی که برای او نفعی باشد نیست و اگر شک شود در مثل مالیت در این اشیا که مستلزم شک در صدق عنوان به صحت معاوضه بر آن به جهت عمومات تجارت، صلح و عقود و هبه معوضه و غیر از این عقدها ممکن است. همچنین مانعی نیز برای حکم به صحت نیست؛ زیرا مانع در این موارد تنها اکل مال به باطل است که مفروض عدم تحقق آن در مقام است (انصاری، ۱۳۳۸ق: ۶۳۳).

حاصل آنکه اگر مانند بسیاری از فقها شرط اتصاف مالیت اشیا را وجود رغبت عقلایی و ندرت نسبی بدانیم بدون شک رمزارها مال خواهند بود؛ زیرا رغبت عقلا به آنها به جهت منافع حلالی که دارد همان طور که در مقدمه بیان شد با حکم وجدان ثابت و ندرت در رمزارها هم به جهت سختی به دست آوردن این پول دیجیتال در فضای مجازی و سقفی که برنامه‌ریزان برای آن مشخص می‌کنند موجود است و با چشم پوشی از این مطلب امکان تصحیح معاوضه رمزارها با عناوین دیگر نیز وجود دارد.

۷-۱- اشکال اکل مال به باطل

از مطالبی که بیان کردیم خدشه بر اشکالی که در برخی السنه رایج شده است که معامله با رمزارها اکل مال به باطل است ظاهر می‌شود اگر مراد از این اشکال آن است که از آنجا که رمزارها متصف به مالیت، نیستند اکل مال به ازای آنها اکل مال به باطل است که معلوم شد عرفاً بر رمزارها مال صدق می‌کند بلکه مطلق قابلیت انتفاع حلال از چیزی همان گونه که از کلام شیخ انصاری به دست آمد آن شیء را از عنوان باطل خارج می‌سازد؛ حتی اگر عنوان مال آن صدق نکند و گمان نمی‌رود که انتفاع از رمزارها وضع بدتری از زالو و کرم داشته باشد. با این حال همان طور که بیان شد منافی همچون تسریع نقل و انتقال ارز در سراسر جهان، غیر قابل شناسایی بودن طرفین مبادله خاصیت ضدتور میداشتن و کارمزد پایین را می‌توان از جمله مهمترین منافع رمزارها دانست.

البته پذیرفتنی است که مالیت رمزارها ذاتی نیست. به این معنا که هیچ حاجتی از حوایج انسان را بدون واسطه برآورده نمی‌سازد؛ بلکه اتصافش به مالیت به جهت آن است که واسطه برای به دست آوردن اموال دیگری است که آن اموال دیگر بالذات مطلوب می‌باشند. یا به تعبیر دیگر شبیه به واسطه‌هایی مانند اسکناسها کاغذی است اما این تفاوت سبب نمی‌شود که معاوضه مصداق اکل مال به باطل باشد. اگر این امر سبب بطلان معامله باشد، واضح است که معامله بر پولهای کاغذی مثل دلار و پوند و ریال نیز مصادیق اکل مال به باطل می‌شوند و بطلان چنین قولی واضح است باید متذکر شد که تمام مطالبی که گفته شد بر فرض آن است که مراد از حرف باء در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِنَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (انسا) (۲۹) بای مقابله باشد؛ ولی اگر فقیهی مانند مرحوم آیت‌الله خوئی استظهارش از آیه شریفه این بود که «با» سیبب است (خادمان، ۱۴۰۰: ۱۲۰)، امر آسانتر است؛ زیرا سبب در معامله با رمزارها همان گونه که به عیان واضح است تجارت از روی تراضی است که از نهی در آیه مستثنا شده است.

۷-۲- اشکال صادر نشدن رمزارها از سوی دولت از لحاظ دیدگاه فقه جزایی

جمهور فقهای عامه به انحصار حق صادر کردن پول به وسیله دولت و حکومت میل کرده و گاهی از این ناحیه بر پول بودن رمزارها اشکال نموده‌اند، شافعیه، حنابله، ابویوسف از حنفیه قایل به این امر شده‌اند که ضرب تولید و صادر کردن نقود و پول از غیر حاکم جایز نیست؛ زیرا چنین کاری استبداد و حمله علیه حاکم است بلکه امام حق دارد هر کسی را که چنین کاری انجام دهد تعزیر کند. فرقی هم ندارد آنچه ضرب شده است موافق یا مخالف ضرب سلطان در وزن و کیفیت باشد و اگرچه از طلا و نقره خالص باشد. در مقابل ابوحنیفه و ثوری به این قول قایل شده‌اند که هر کس که سکه مسلمانان را ضرب کند و این ضرب سکه او طبق همان ضرب سکه‌هایی باشد که بین مسلمانان وجود دارد که سبب نشود ضرری متوجه اسلام و مسلمین شود در این صورت مشروط به آنکه سکه‌های طلا و نقره طبق ۲۳ همان ویژگیها و وزنهایی که دولت ضرب می‌کند، باشد مانعی از آن نیست (عبدالسمیع و محمد، ۱۴۲۰ق: ۵۲۲). در کتاب الموسوعه الفقهیه الکویتیه این گونه آمده است.

حق صادر کردن نقود و تولید کردن پول صرفاً برای امام است و بر او واجب است که فردی را که این وظیفه را انجام می‌دهد مشخص کند تا فرق سکه خالص از سکه تقلبی در معاملات مشخص شود و مسلمین از غش در معامله در امان باشند که این به وسیله مهر سلطان بر سکه و

علامت معروف بر سکه است و باید به معیار مشخص و وزن مشخص باشد تا معامله با آن به صورت عددی ممکن شود؛ کما اینکه در دوره عبدالملک بن مروان همین اتفاق افتاد و جایز نیست برای غیر امام ضرب سکه زیرا که در این کار استبداد علیه امام و حمله علیه امام است وزارت الاوقاف و شئون الاسلامیه (۱۴۰۴ق).

به نظر می‌رسد تنها دلیل فقهای عامه یا احياناً برخی اندیشمندان شیعه برای اثبات این انحصار با توجه به استدلالهایی که برای این مطلب ذکر کرده‌اند جلوگیری از هرج و مرج و فساد ناشی از غش و تزویر در جامعه است و مراد این نیست که پول بودن پول با ائمه‌نای اقتصادی و عرفی که دارد بر حکم دولت و حکومت متوقف باشد. از نظر تاریخی نیز این مطلب معروف است که مسلمانان تا زمان عبدالملک مروان با سکه‌ها و نقودی که در سایر کشورها ساخته شده بود معامله می‌کردند و او اولین شخصی بود که سکه اسلامی ضرب کرد (شیروی، ۱۳۹۳: ۱۳). پس اگر کسی قایل به بطلان معامله با رمزارها به جهت عدم ساخت آنها از سوی دولت و حکومت باشد باید به بطلان معاملات سابقه که با سکه‌هایی که در دولت اسلامی ضرب نشده بود انجام گرفته نیز ملتزم باشد و گمان نمی‌رود به چنین فتوایی ملتزم باشند.

بعضی از معاصرین عامه به این حقیقت معترف شده‌اند این مطلب متمثل شده است در قایل شدن بعضی از فقها به حصر مفهوم نقد در نقودی که اراده حکومت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آنها را به وجود آورده است و به این ترتیب مفهوم نقد را در نوع خاصی که مصدر و منبع آن اراده حکومتی، باشد اختصاص داده‌اند؛ در حالی که این نوع تنها یکی از انواع نقود است و هر پولی به این نحو نیست. بلکه این نوع نقد آن چیزی است که به ۲۴ اسکناس کاغذی یا پول رسمی شمرده می‌شوند. اما انواع دیگری از پول وجود دارد که از اراده سلطان و حاکم ناشی نمی‌شود؛ کما اینکه در خصوص طلا و نقره نیز که اهم انواع نقودند، پول بودن و نقدیت آنها متوقف بر اراده سلطانی یا تفویض از سمت او نیست. زیرا مستند و دلیل توانایی دینار و درهم آن قیمت ذاتی آنهاست و در کنار این دو نقد نقود دیگری هم وجود دارد؛ مثل پولهای الکترونیکی یا مجازی یا پولهای رمزگذاری شده توانایی این پولها رواج و قبولشان از سمت مردم است که به عنوان یک واسطه از آن برای مبادلات استفاده می‌کنند (زید، ۱۴۴۴ق: ۵۴۷). پس نقدیت مرهون تولید حکومتی نیست بلکه ولی امر مسلمین این حق را دارد که معامله با چنین پولهایی را محدود و بلکه ممنوع کند یا اینکه آنها را از یک جهت مشخص طبق آن چیزی که از مصالح امت می‌بیند، حصر کند؛ اما همان‌گونه که واضح است، این بحث غیر مرتبط به حقیقت نقدیت آنها و حکم اولی معامله با آنهاست.

این عمده اشکالاتی بود که حول قید وحدت مبادله در تعریف شکل گرفته بود. به نظر تمام این اشکالات قابل دفع باشد تنها اشکال وارد بر نقدیت و پول بودن این رمزارها از حیث شیوع و عدم رواج آنها به نحوی بود که کالاها را به این طریق قیمت‌گذاری کنند که تنها ثمره آن مترتب نکردن آثار شرعی مطلق عنوان نقد بر رمزارهاست که ثمره زیادی نیست.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی می‌توان گفت مجموع اشکالات وارد بر معامله با رمزارها را ذیل دو دسته کلی اشکالات وارد بر واحد مبادله‌ای بودن رمزارها و اشکالات وارد بر هیئت الکترونیکی سامان داده شدند. در دسته اول محور اصلی بحث اثبات مالیت آنها به جهت وجود رغبت عقلایی و ندرت نسبی رمزارها می‌باشد که بعد از اثبات مالیت رمزارها جواز بیع و معامله با آنها اثبات می‌شود. لذا اشکال وارد بر مالیت رمزارها و اشکال اکل مال به باطل، با اثبات مالیت رمزارها این دو اشکال پاسخ داده می‌شود در خصوص اشکال به اینکه رمزارها از نقود محسوب نمی‌شود هم پاسخ داده شد که اگر هم کسی قایل شود که رمزارها پول نیستند، اشکالی از این ناحیه بر معامله با رمزارها وارد نمی‌شود در پاسخ به اشکال چهارم نیز گفته شد که صادر نشدن رمزارها از سوی دولت سبب بطلان معامله با آنها نمی‌شود؛ چون دلیلی که فقهای عامه اقامه کرده‌اند که عبارت از لزوم جلوگیری از هرج و مرج نمیتواند مانع از بطلان این معاملات شود مگر در صورتی که ولی فقیه از معامله با آنها جلوگیری نماید.

در دسته دوم از اشکالات نیز گفته شد که هیئت الکترونیکی رمزارها منافی عینیت داشتن آنها نیست؛ زیرا مراد از عینیت وجود خارجی نیست. همان‌گونه که نداشتن انتفاع ذاتی مانع از صحت معاوضه نیست؛ زیرا اگر این اشکال وارد باشد بر سایر نقود نیز مترتب است که مسلم است چنین لازمه‌های باطل است؛ همچنان که نبود پشتوانه دولتی نیز اختلالی به صحت معاوضه وارد نمی‌سازد به این جهت که پشتوانه دولتی داشتن در مقومات مالیت فی حدنفسه دخیل نیست. همچنان که واضح است میزان خطری که در این معاملات وجود دارد، بیشتر از خطر در نقود رایج نیست تا موجب بطلان شود.



با بررسی نظام پولی و بانکی کشور باید گفت که سه نهاد به صورت عمده در اثر مبادلات ارز بیت کوین با چالشهای حقوقی مواجه خواهند شد، اولین نهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی خواهد بود چالش‌هایی از قبیل تهدید اقتصاد واقعی و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد از طریق پولشویی و نقدشوندگی پایین در اقتصاد از جمله‌ی این چالشها خواهد بود که برای حل این چالش‌ها علاوه مداخله بانک مرکزی در امر تقنین، بر نهادهایی همانند وزارت اقتصاد شورای عالی مبارزه با پولشویی و وزارت ارتباطات نیز باید مداخله کنند و به عبارت دیگر اقدام به رگولاتوری مشترک کنند.

در خصوص چالش‌های بیت کوین در عملکرد بانک‌ها نیز باید گفت که اولاً باتوجه به ویژگی‌های الزامی نهاد بانک و خصایص ذاتی رمزارز بیت کوین خود عملاً رمز ارز بیت کوین قادر به انجام وظایف بانک نخواهد بود، هرچند که با استفاده از آن بتوان اقدام به سرمایه‌اندوزی کرد، ثانیاً برخی چالش‌ها در عملیات بانکداری از قبیل برگشت‌ناپذیری وجه، مشکل وراثت و مشخص نبودن هویت فرستنده و گیرنده تأیید این فرضیه خواهد بود که بیت کوین ابزار بانکی نیست اما در عین حال، ویژگی خاص بیت کوین در نقل و انتقالات پولی و پرداخت وجوه و همچنین اثراتی که بر نقش نظارتی بانک مرکزی می‌گذارد ما را به آنجا رهنمون سازد که بیت کوین را یک ابزار شبه بانکی قلمداد کنیم.

در خصوص نهاد صرافی نیز مهمترین چالش، بحث خلا قانونی در مورد فعالیت این صرافی‌ها خواهد بود چرا که صرفاً یک سند توسط معاونت فناوری بانک مرکزی صادر شده که ضمانت اجرایی برایان پیش‌بینی نشده است فارغ از این موضوع چالش دیگر، تفاوت‌های جدی صرافی‌های رمزارزی با صرافی‌های معمول می‌باشد، عموماً این نوع صرافی‌ها به دو بخش مختلف تقسیم می‌شود صرافی متمرکز و غیرمتمرکز، صرافی متمرکز در واقع به این معنی است که یک فرد یا واسطه معتبر برای کمک به رسیدگی داراییها و انجام معاملات وجود داشته باشد و بر معاملات کاربران نظارت کند اگر خواهیم به بیان ساده تر بگوییم صرافی‌های متمرکز عملکردی شبیه بانک دارند. در صرافی غیر متمرکز رمزارز، افراد می‌توانند بدون نیاز به باز کردن حساب در صرافی، معامله رمزارز خود را به صورت هم‌تا به هم‌تا (کاربر به کاربر و بدون واسطه) انجام دهند. مطابق با سند الزامات و ضوابط فعالیت درحوزه رمزارزها در کشور که توسط معاونت فناوریهای نوین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه گردیده است، صرافی رمزارزی مسئولیت صحت عملکرد پلتفرم صرافی‌ها و تضمین ملاحظات امنیتی آن بر عهده مالکان صرافی خواهد بود و در صورت هرگونه نقض امنیتی پلتفرم صرافی مذکور موظف به پرداخت خسارت به کاربران می‌باشند، همچنین صرافیهای رمزارزی ملزم به رعایت قوانین مبارزه با پولشویی هستند و سقف تبدیل ریال به رمزارزها و بالعکس در صرافی‌های مجاز تابع مقررات عمومی قوانین ارزی کشور خواهد بود.

در حقوق معاملات شاید بتوان گفت مهمترین چالش موجود، قانونی اعلام کردن معاملات رمزارز بیت کوین توسط دولت‌ها است. تقریباً اکثر دولتها از جمله دولت ایران، وضعیت متزلزلی در برخورد با چالش قانونی اعلام کردن معاملات رمزارز بیت کوین دارند. در خصوص کشور ایران خرید و فروش آن توسط نهادهای دولتی منع گردیده اما هر چه به جلو می‌رویم روند پذیرش این رمز ارز با سهولت بیشتری در حال انجام است، مثلاً با صدور یک ابین نامه توسط دولت ایران، استخراج این رمز ارز در صورت حصول شرایط خاص، قانونی خواهد بود و قطعاً در آینده‌ای نزدیک معاملات رمزارزها قانونی اعلام می‌شود.

چالش دیگر رمزارزها در حقوق معاملات، ماهیت مبادلات بیت کوین می‌باشد در این خصوص باید گفت مبادلات بیت کوین در بستر فناوری بلاکچین، قرارداد به معنای مصطلح حقوقی بوده که صرفاً اجرای این قراردادها به صورت خودکار می‌باشد و البته این قراردادها ماهیتی متفاوت با قراردادهای الکترونیک دارند.

منابع

۱. اخوان، پیمان (۱۳۹۷). ارزشهای دیجیتال، بیت کوین، بلاکچین و مفاهیم. تهران، نشر آتی نگر، چاپ اول.
۲. السان، مصطفی (۱۳۹۹). حقوق بانکی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
۳. جوادی، امیر (۱۳۹۷). حقوق تجارت بین الملل تجارت دیجیتال»، جلد دوم نشر حقوق یار، چاپ اول.
۴. حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳). حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، تهران، تیسرا.
۵. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۸۸). پول ارز و بانکداری، چاپ چهاردهم، تهران، نشر ترمه.
۶. شانی، مرتضی (۱۳۹۷). توضیح بیت کوین توضیح بلاک چین شرکت چاپ و نشر بازرگانی .
۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین الملل، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
۸. زید، عبدالعظیم (۱۴۴۴ ق). «هل تعترف الشريعة بثمنية العملات الرقمية المشفرة»، مجلة إسرا الدولية للمالية الإسلامية.
۹. انصاری، مرتضی (۱۳۳۸). مکاسب؛ قم مجمع الفکر السلامی.
۱۰. خادمان محمود ابوطالب کوشا و فاطمه نوری (۱۴۰۰). شناسایی ماهیت حقوقی رمز ارزها با تحلیل ساختاری آنها در نظام حقوقی ایران مجله حقوقی دادگستری دوره ۸۵ ش ۱۱۱.
۱۱. خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۸). تحریر الوسیله، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۳۹ ق. کتاب البیع؛ ج ۱، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۴۰). تکملة العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. صدر، سید محمد باقر (۱۴۴۰ ق). منهاج الصالحین (المحشى)، ج ۱، قم: انتشارات دارالصدر.
۱۴. طباطبایی الحکیم سید محسن (۱۳۸۸). منهاج الصالحین؛ قم: دار الرساله.
۱۵. عبدالسمیع، محمد و ابراهیم محمد (۱۴۲۰ ق). «النقود الکترونیة أحكام فقهیه و آثار اقتصادیة دراسة مقارنة»: مجله کلبه الشریعة والقانون.
۱۶. نایینی، میرزا محمد حسین (۱۴۳۸ ق). مکاسب والبیع، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی..
۱۷. هاشمی شاهرودی سید محمود (۱۴۳۸ ق). المطور، تهران دانشگاه عدالت ۱۴۳۸.
۱۸. انصاری، اعظم (۱۳۹۸). تعیین ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی دوره ۲۳.
۱۹. خردمند، محسن (۱۳۹۸). بررسی فقهی استخراج و مبادله رمز ارزها با تمرکز بر شبکه بیت کوین» مجله معرفت اقتصاد اسلامی سال دهم
۲۰. جمالزاده ناصر و مجتبی باباخانی (۱۳۹۶). کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی. دو فصلنامه دانش سیاسی.
۲۱. صمدی لرگانی محمود و امید شهیر (۱۳۹۶). بیت کوین در ایران و تحلیل آن از دیدگاه مالی، حقوقی و فقه اسلامی» همایش ملی پژوهشهای حسابداری و مدیریت با رویکرد کسب و کارهای نوین تنکابن دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.
۲۲. عباسیان، عزت الله و همکاران (۱۳۹۴). بی قاعدگی حباب قیمتی در بورس اوراق بهادار تهران رویکرد محدودیت در آربیتراژ، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال بیست و سوم.
۲۳. گروه پژوهشی حقوق بانکی (۱۳۹۶). مسائل حقوقی فقهی رمز ارزها، مجله حقوق بانکی، سال ششم، شماره ۱۲، نیمسال دوم.
۲۴. قزل بیگلر، مسلم (۱۳۹۸). مشروعیت رمز ارزها از منظر فقه حکومتی و فردی نهمین کنفرانس بین المللی اقتصاد مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی شیراز مؤسسه آموزشی مدیران خبره نارون.
۲۵. مشرق نیوز افشاگری درباره بیت کوین <https://www.mashreghnews.ir/news>
۲۶. مصباح، محمد سعید و صادقی، علی (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد فقهی قاعده نفی سبیل دومین کنفرانس ملی پژوهشهای نوین در مدیریت و حقوق کارزون دانشگاه آزاد اسلامی واحد کارزون تهران دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. سند الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمز ارزها در کشور (۱۳۹۷). معاونت فناوریهای نوین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۸. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، ۰۴، ۱۸
۲۹. قانون عملیات بانکی بدون ربا
۳۰. قانون مدنی ایران
۳۱. کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰